



چگونه می توان هویت نویسنده ناشناس اینترنتی را کشف نمود؟

پدیدآورنده (ها) : شکوری فرد، شعله

حقوق :: نشریه قضاوت :: خرداد و تیر ۱۳۸۹ - شماره ۶۴

صفحات : از ۵۴ تا ۵۵

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/796623>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- چگونه می توان توجه نوجوانان را از «خود» به «خدا» معطوف نمود؟
- چگونه می توان GIS را سودآور نمود؟
- چگونه و با چه وسیله ای می توان یک صنعت را تبدیل به صنعت سبز نمود: مالیات یا یارانه
- چگونه می توان توجه نوجوانان را از «خود به خدا» معطوف نمود؟
- چگونه دردهای مزمن را می توان درمان نمود؟
- چگونه می توان دانش آموزان را به شرکت در جلسات دعا و نماز ترغیب نمود
- چگونه می توان فجایع موجود در اقیانوس ها و دریاها را آزاد را درک نمود؟
- چگونه می توان با اطمینان نویسنده خط یا امضا مشکوک به جعلی را شناسایی کرد
- خشونت والدین چه تاثیری بر کودکان می گذارد و چگونه می توان خشم را کنترل کرد؟
- سازمان را چگونه می توان اداره کرد؟

چگونه می توان هویت نویسنده ناشناس اینترنتی را کشف نمود؟

◀ مترجم: شعله شکوری فرد

می‌نماید. دادگاه احضاریه‌ای برای شرکت خدمات ایمیل مربوطه فرستاده و درخواست اعلام هویت ارسال‌کننده ایمیل را می‌نماید. شرکت خدمات ایمیل این خواسته را رد کرده و اعلام می‌کند که بر اساس متمم اول قانون اساسی حقوق نویسنده در ناشناس ماندن می‌بایست رعایت شود. دادگاه آریزونا حکم می‌دهد که شاکی شواهد مکفی جهت غلبه بر متمم اول را دارد، اما شرکت خدمات ایمیل تقاضای تجدیدنظر می‌نماید و دادگاه تجدیدنظر خلاف رویه دادگاه بدوی عمل نموده و نظر می‌دهد که از شواهد موجود اینگونه برمی‌آید که دادگاه اولیه به اندازه کافی از حقوق نویسنده حمایت نکرده است.

در این بحث دادگاه تجدیدنظر اعلام کرد که اگر شاکی قصد به دست آوردن نام نویسنده ناشناس را دارد، باید مطابق با روند اجباری سه مرحله‌ای که به شرح ذیل است، اقدام نماید:

۱- آگاه کردن نویسنده

۲- معرفی مدارک و دلایل کافی برای رد قضاوت انجام شده

۳- آزمون متعادل

مرحله اول ساده است اما مسئله مهمی که از سوی دادگاه نادیده گرفته شده است آن است که از شاکی می‌خواهد به نویسنده‌ای که او در جست‌وجوی هویت اوست قبلاً اخطار دهد.

این مسئله کمی عجیب و غریب به نظر می‌رسد که اگر شاکی واقعا از شخصیت نویسنده مزبور بی‌اطلاع است چگونه می‌تواند این کار را انجام دهد؟

دادگاه این امر را پیش‌بینی و آنچه را که در این خصوص مورد نیاز است اینگونه توضیح داد که: شاکی یا بخش تقاضاکننده می‌بایست تلاش‌های معقولی را در آگاه‌نیدن بخش ناشناس جهت اعلام هویت خود از طریق ارسال اخطارهای از طریق همان رسانه مورد استفاده توسط بخش ناشناس به عمل آورد. به عنوان مثال اگر پیام از طریق ایمیل ارسال شده، بخش تقاضاکننده (شاکی) بایستی از طریق پست الکترونیک یا ایمیل جداگانه‌ای به آدرس فرستنده ناشناس، این کار را انجام دهد.

بنابراین شاکی که در نظر دارد احضاریه‌ای برای کشف هویت نویسنده ناشناس ارسال نماید، می‌بایست از طریق هر رسانه‌ای که پیام اصلی فرستاده شده است، ابتدا اخطارهای را به آن نشانی پست کند. دادگاه یک دستورالعمل خاص زمانی را برای این منظور بیان نمود ولی تحت یک قانون مناسب کلی اعلام نمود که بهتر است اخطارهای اولیه حداقل چند هفته قبل از اجرای حکم احضار به عمل آید. این روش این اطمینان را به وجود می‌آورد که نویسنده، زمان کافی برای دریافت اخطارهای و مشاوره با وکیل خواهد داشت.

لازم به ذکر است که بسیاری از شایگان، مرحله اول را از قلم می‌اندازند و این نادرست است. چرا که

ناشناس، عملی زیان‌آور و کلاهبردانه نبوده بلکه سستی محترم و لایق حمایت و طرفداری است.

اقدام به ناشناخته نگاشتن به مانند سپری جهت دفاع در مقابل اکثریت مستبد است و بنابراین به عنوان هدف منشور حقوق بشر و به ویژه متمم اول در محافظت از افراد و افکار آنان در قبال اعمال تلافی‌جویانه و مقابله به مثل از سوی جامعه بی‌گذشت می‌باشد. به طور کلی جامعه ما ارزش بالایی برای آزادی بیان قائل است تا لحاظ نمودن خطرات ناشی از سوءاستفاده از آن، بنابراین دیوان عالی ایالات متحده اعلام می‌دارد که اظهارات ناشناس، سستی محترم در تاریخ آمریکاست ولی همچنین تاکید دارد که متمم اول قانون اساسی سخنرانی توهین‌آمیز را حمایت نمی‌کند.

اما چرا این نکات مهم هستند؟ این نکات بسیار مهم هستند، زیرا اگر شما اقدام به شروع فعالیتی در جهت کشف نام نویسنده ناشناس نمایید، باید بدانید که دادگاهها تمایل زیادی به موشکافی و تدقیق در نکات مبهم متمم اول، در مورد ناشناس نویسی و کشف هویت نویسنده ناشناس ندارند، و دلیل خوبی که برای این موضوع وجود دارد و این است که به محض افشای هویت نویسنده، دیگر امکان برگشت نیست. اما در ایجاد و رعایت تعادل منافع، دادگاهها به این نتیجه رسیده‌اند که جست‌وجوی شاکی در به دست آوردن هویت نویسنده ناشناس نمی‌تواند به حقوق نویسنده به موجب متمم اول در صورتی که صرفا با ادعای توهین‌آمیز بودن مطالب باشد، لطمه وارد آورد. قانون مقرر می‌دارد که شاکی باید اثبات کند که او شواهد قابل دوام و معتبری دارد که با مدارک و اسناد قابل قبول همراه است و در این خصوص هیچ گزینه معقول دیگری که قادر باشد، سیر حمایتی متمم اول را از میان بردارد، وجود ندارد.

بنابراین قانون مستلزم چه مواردی است که شاکی باید انجام دهد؟

موشکافی در فحواهی متمم اول - فرآیند سه مرحله‌ای

در ایالت آریزونا، پروسه‌ای سه مرحله‌ای در به دست آوردن هویت یک نویسنده ناشناس در پرونده‌ای با عنوان Mobilisa توضیح داده شده است.

در این پرونده شاکی به دوست خود از طریق یک آدرس ایمیل امن، ایمیل خصوصی‌ای را ارسال می‌کند، اما به این ایمیل توسط یک بخش ناشناخته نفوذ شده و سپس از طریق یک ایمیل سرویس ناشناخته به اعضای مختلف (لیست گروه شاکی) و به منظور ترسانیدن وی فرستاده می‌شود. شاکی متعاقبا دادخواستی علیه خواننده‌های مختلف با نام John Doe که در ایمیل ناشناس آورده شده بود، به دادگاه تسلیم می‌نماید و تقاضای آگاهی از هویت واقعی شخصی که از ارسال ایمیل او به مقصد واقعی جلوگیری کرده است را

فرض می‌کنم که شما به ناگاه متوجه می‌شوید که شخص ناشناسی متنی را به صورت Online (از طریق اینترنت) برای شما ارسال نموده است که نه تنها به شدت بخرانی است، بلکه پرهیاهو و نادرست است و شما تصمیم می‌گیرید که دادخواستی علیه وی با اتهام افترا به دادگاه ارائه نمایید. اما مشکل اینجاست که شما هیچ‌گونه پیش‌تصور از هویت وی و اینکه او چه کسی می‌توانسته باشد، ندارید. حال چگونه می‌توان به هویت واقعی نویسنده پی برد؟ آیا این اصولا امکان‌پذیر است؟ از آنجا که بیشتر وبسایت‌ها به کاربران خود اجازه ارسال نظرات و اظهارات را به صورت ناشناس داده‌اند، سوال فوق غالبا به وجود می‌آید. خوشبختانه هم‌اکنون دادگاه‌های بسیاری با این موضوع سروکار داشته و بعضا برخی دستورالعمل‌های نسبتا ساده در این خصوص ارائه نموده‌اند که می‌بایستی رعایت شوند، اما قبل از شروع این روند، بدو لازم است که از قوانین مرتبط با سخن گفتن ناشناس آگاهی یابیم.

قسمت اول: سخنرانی ناشناس و متمم اول قانون اساسی ایالات متحده آمریکا

این یک تصور رایج است که هنگامی فردی، متنی را به صورت آنلاین و بدون امضای نام خود برای شما پست می‌کند، آن متن فاقد تائیدی بایستی مناسب و خوب باشد. شاید آنها چیزی را مخفی می‌کنند، شاید آنها می‌دانند که اظهاراتشان نادرست است و در تلاش برای فرار از مسئولیت می‌باشند.

به هر حال، هر منظوری که مدنظر نویسنده مسئله، این بسیار مهم است که قبل از هر چیز به متمم اول قانون اساسی ایالات متحده، که از حق سخن گفتن به صورت ناشناس، حمایت می‌کند، توجه نماییم. حال این اظهارات چه به صورت متنی در وبسایت یا به هر شکلی باشند.

در یک مورد کلاسیک که مستلزم دخالت قانون منع پخش اعلامیه بدون امضا گردیده بود، دیوان عالی ایالات متحده توضیح داد که اظهارات بیان شده به شکل ناشناخته، فعالیتی محترم است که سزاوار حمایت آکید به موجب متمم اول قانون اساسی می‌باشد. به علاوه افشای نام نویسندگان در ارسال مطالبی که هیچ علائمی از افترا و دروغ در آنها نمی‌باشد، متمم اول قانون اساسی را خدشه‌دار می‌نماید و دیوان عالی به صورت صریح و بدون ابهام از حق ناشناس ماندن تحت متمم اول قانون اساسی حمایت کرده است.

جزوات، بروشورها و حتی کتاب‌های ناشناس، نقش مهمی در پیشرفت نوع بشر داشته‌اند. گروه‌ها و فرقه‌های تحت ستم و آزار، در طول تاریخ و از زمانی به زمان دیگر، به صورت ناشناس قادر به انتقاد از قانون‌ها و شیوه‌های سرکوبگرانه بوده‌اند.

بر اساس قانون اساسی ما، جزوه‌نویسی به صورت

نگاهی به مراجع رسیدگی به اختلافات مالیاتی*

◀ محمد زارعی

به پرداخت مالیات متعلق خواهد بود. در غیر این صورت، پرونده جهت رسیدگی به هیئت حل اختلاف مالیاتی ارجاع می‌گردد.

ب- هیئت حل اختلاف مالیاتی بدوی

رسیدگی‌های خارج از دستگاه قضایی که امروزه در اکثر قوانین مرسوم و پدید آمده است به نظر تدوین‌کنندگان آن تسریع در رسیدگی و جلوگیری از اطاله دادرسی است و از سوی دیگر این هیئت‌ها یا کمیسیون‌ها به صورت تخصصی به موضوع رسیدگی می‌نمایند. نکته حائز اهمیت اینکه جنبه استقلال و بی‌طرفی هیئت عموماً مورد تردید واقع می‌گردد و به دفعات آرای این هیئت‌ها در مراجع بالاتر مورد نقض قرار گرفته است. عموماً نمایندگان امور مالیاتی خود را مدافع حقوق دستگاه مالیاتی می‌دانند، در حالی که چنین برداشت و تفسیری از قانون بر نمی‌آید.

هر هیئت حل اختلاف مالیاتی از سه نفر تشکیل خواهد شد:

- ۱- یک نفر نماینده سازمان امور مالیاتی کشور
 - ۲- یک نفر قاضی اعم از شاغل یا بازنشسته
 - ۳- یک نفر نماینده تشکل‌ها یا مجامع حرفه‌ای اعضای هیئت‌ها دارای استقلال رای و با حفظ بی‌طرفی کامل بایستی به موضوع رسیدگی نمایند و رسمیت جلسه با حضور سه نفر اعضا می‌باشد لیکن در رای‌گیری اکثریت منوط اعتبار است.
- سازمان امور مالیاتی، اداره امور هیئت‌های حل اختلاف را بر عهده خواهد داشت و حواله‌زحمه اعضا از بودجه سازمان تامین خواهد شد.
- مؤدی مالیاتی و دستگاه مالیاتی می‌توانند نماینده‌ای را جهت حضور در جلسه اعزام دارند. لیکن عدم حضور آنان مانع از رسیدگی هیئت نخواهد شد و با توجه به اصلاح ماده ۲۴۷ ق.م.ا.م. مصوب ۱۳۸۸ آرای هیئت حل اختلاف بدوی غیرقطعی و قابل اعتراض در هیئت حل اختلاف تجدیدنظر می‌باشد.

ج- هیئت حل اختلاف تجدیدنظر

در اصلاحات قانون مالیات‌های مستقیم در سال ۱۳۸۰ ماده ۲۴۷ از مواد قانون مالیات‌ها حذف گردید و در واقع رسیدگی هیئت‌های حل اختلاف به صورت یک مرحله‌ای درآمد و اعتراض به آرای

اعمال قدرت مالیاتی یکی از نشانه‌های بارز حاکمیت دولت به شمار می‌رود و با قدرتی که قانون در اختیار دستگاه مالیاتی قرار می‌دهد، در طی مراحل تشخیص و وصول، دارای اختیارات گسترده و منحصر به فردی است که با توسل به این وسایل و ابزار قانونی بتوانند به موقع و به سهولت مالیات را وصول نمایند و در عین حال، حقوق مؤدیان مالیاتی را نیز رعایت کنند.

تشخیص مالیات باید بر اساس ماخذ صحیح و متکی به دلایل و اطلاعات کافی باشد (ماده ۲۳۷ ق.م.ا.م) ولی در برخی موارد مؤدیان مدعی به عدم رعایت قوانین و مقررات و تشخیص مالیات به صورت خودسرانه می‌باشند. در این صورت، قانون جهت رعایت حال مؤدیان و ایجاد اعتماد آنان امکان اعتراض به تشخیص دستگاه مالیاتی را فراهم نموده است.

امکان اعتراض به عملکرد دستگاه مالیاتی از ابتدایی‌ترین حقوق مؤدیان می‌باشد. لذا علاوه بر اینکه به میزان مالیات یا امکان تعدیل و رعایت مقررات قانونی امکان اعتراض به مالیات وجود دارد، تخلفات انتظامی مأموران مالیاتی نیز قابل تعقیب است.

الف - مراجع اداری

مؤدی ظرف سی روز پس از ابلاغ برگ تشخیص ۱ می‌تواند به مندرجات برگ تشخیص اعتراض نماید. در ابتدا جهت کوتاه نمودن مسیر رسیدگی، اعتراض به صورت اداری مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. رد در این مرحله به معنای منتفی دانستن برگ تشخیص مالیات می‌باشد. لذا برگ تشخیص صادر و مالیات مؤدی منتفی می‌گردد. در مهلت مقرر معمولاً برگ تشخیص جدید صادر نمی‌نمایند بلکه برگ قطعی ۲ مالیات را صادر می‌نمایند و یا اگر اسناد و مدارک را موثر در تعدیل درآمد تشخیص دهد آن را تعدیل می‌نماید.

تعدیل در این مرحله به معنای کسر نمودن ماخذ مالیات نسبت به صدور برگ تشخیص صادره می‌باشد. لذا در هر دو مورد در صورتی که موجبات رضایت مؤدی فراهم گردد ظهر برگ تشخیص به امضای مؤدی و و مسئول مربوطه برسد اختلاف موجود بین مؤدی و دستگاه مالیاتی حل و فصل گردیده و پرونده مختومه می‌گردد و مؤدی موظف

دادگاه به روشنی اعلام کرده است که ارسال اظهاریه قبلی الزامیست، زیرا صرف‌نظر از اینکه تا چه میزان ادعای خواهان، مشروع است، عدم آگاهانیدن نویسنده، به احتمال زیاد موجب تأخیر بیشتر یا بی‌اثر بودن هرگونه تلاش‌های بعدی در به اجرا آوردن حکم احضار می‌شود.

گام دوم بسیار مهم و فشرده است. در این مرحله شاکی می‌بایست پیشنهاد خود را در خصوص اظهارات انجام شده توسط نویسنده ناشناس ارائه نماید. یعنی با توجه به تمام عناصر به کار گرفته شده در بیانات و متنی که توسط نویسنده ناشناس انجام گرفته، ادله خود را در قبال آن قضاوت ارائه نماید.

یعنی دادگاه در این مرحله از شاکی می‌خواهد که ثابت کند ادعای او مشروع و مستند به دلایل قابل دوام قانونی و شواهد قابل قبول و قابل ارائه در دادگاه می‌باشد.

زیرا شاکی خود بار اثبات اینکه مطالب ارائه شده توهین‌آمیز و نادرست می‌باشند را به عهده دارد. در بیشتر موارد این کار با فراهم آوردن استشهادیه و قسم برآورده خواهد شد. البته باید مراقبت کامل به عمل آید که استشهادیه عاری از هرگونه اغراق و گرافه‌گویی باشد، چرا که ممکن است شاکی را به عواقب قابل توجهی از تحریم‌های سخت قانونی و احتمالاً دعوی متقابل نویسنده در استفاده نادرست شاکی از روندهای دعاوی مدنی برانگیزاند.

آخرین مرحله از پرونده Mobilisa مستلزم برگزاری یک آزمون تعادل توسط دادگاه می‌باشد. هدف از این آزمون، مقایسه فواید افشاری در مورد نویسنده ناشناس نسبت به حق وی در ناشناخته ماندن به موجب متمم اول قانون اساسی می‌باشد. در این مرحله معمولاً مسئله نامیدکننده این است که آیا شاکی قادر است از طریق دیگری که کمتر مداخله‌جویانه است به هویت نویسنده ناشناس پی برد یا خیر.

به عنوان مثال اگر نویسنده ناشناس اقدام به ارسال مطالب و اطلاعاتی کرده است که ممکن است گروه کوچکی از مردم از آن مطلع باشند، در این خصوص شاکی می‌بایست استشهادیه‌ای از هر شخصی در گروه که بیانگر تکذیب مطالب مندرج در پیام باشد فراهم آورد و در آن صورت است که ارسال احضاریه به ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی یا وب‌سایت میزبان به معنای تنها راه باقی مانده در افشای هویت نویسنده است.

هرچند که آزمون تعادل غیرضروری به نظر می‌رسد، بایستی ملاحظات لازم در مورد گزینه‌های دیگر در نظر گرفته شده و توضیح داده شود که چرا آنها بی‌بهره می‌باشند و به بیان دیگر تلاش‌های ناموفقی خواهند بود. ارائه بحث و گفت‌وگوی اندیشمندانه در دادگاه در خصوص اینکه چرا هیچ جایگزین دیگری در دسترس نیست می‌تواند به طور قابل توجهی احتمال این که دادگاه استناداردهای Mobilisa را به رسمیت بشناسد، موثر خواهد بود.

منبع: Jurist